تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی

«نامهٔ سران تگیناباد به امیر مسعود»

محمدرضا پهلوان‌نژاد
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
نصرت ناصری مشهدی
استادیار دانشگاه پیام‌نور فریمان

چکیده

در این مقاله «نامهٔ سران تگیناباد به امیر مسعود» از *تاریخ بیهقی* به عنوان نمونه‌ای از نثر برجستهٔ ادب فارسی، با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با این رویکرد در واقع توانش ارتباطی متن، یعنی دانش زبانی نویسنده، شامل دانش قواعد زبانی و چگونگی کاربرد آن قواعد متناسب با موقعیت‌های گوناگون ارتباطی بررسی و تفسیر می‌شود. این پژوهش با هدف تبیین ظرفیت‌های زبانی و نشان‌دادن هنر نویسنده برای برقراری یک ارتباط موفق و اقناع هنری شکل گرفته است. به این منظور کنش‌های گفتاری و ویژگی‌های متن‌محور و کاربرمحور متن، از طریق طرح بافت موقعیّتی، شاخص‌ها، جایگزین‌ها و شناخته‌ها در کنار همهٔ عناصر زنجیره‌ای و زبرزنجیری مؤثر در معنا مورد دقت نظر قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: معنی‌شناسی کاربردی، بافت موقعیتی، کنش‌های گفتاری.

تاریخ دریافت: ۸۶/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۸۷/۵/۱۵

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، شماره ۶۲، پاییز ۱۳۸۷

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

مقدمه

بررسی و تحلیل متون ادبی معمولاً به جهت ارزشیابی هنری و رسیدن به پاسخ این سؤال بوده است که چه عواملی پیامی کلامی را به اثری هنری مبدل می‌سازد؟ به این منظور همواره چگونگی ابلاغ معنی و اقناع مخاطب، آن‌هم به شیوه‌ای بدیع، فصیح، دلنشین و مؤثر مورد ارزشیابی قرار گرفته است.

امروز با طرح نظریه‌های زبانی نوین و ارائهٔ دیدگاه‌های جدید در نقد ادبی، زبان‌شناسی، معنی‌شناسی، کاربردشناسی و غیره، سازوکارها و روش‌های متعددی برای مطالعهٔ علمی زبان معرفی شده که پژوهش‌گران بر خود لازم می‌دانند برای فهم و تحلیل بهتر متون از آن بهره گیرند. در رویکردهای زبان‌شناسی اساساً پرسش‌هایی از این نوع مطرح است که کلام یا متن چیست و چگونه شکل می‌گیرد؟ چه عواملی تعیین‌کنندهٔ معنا یا مفهوم کلام است یا در ساختار صوری و معنایی متن تأثیرگذار است؟

مطالعهٔ معنی و انتقال آن از طریق زبان در شاخه‌های گوناگون معنی‌شناسی (اعم از معنی‌شناسی زبانی، فلسفی و منطقی) و کاربردشناسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. عدّه‌ای میان دوشاخهٔ معنی‌شناسی و کاربردشناسی تمایز قائل شده‌اند و برخی دیگر این تمایز را مردود شناخته، مرزبندی میان معنی‌شناسی و کاربردشناسی را مخلّ مطالعهٔ جامع معنی به‌شمار آورده‌اند. لیکاف و لنکاگر از این شمارند. آن‌ها حذف بافت غیر زبانی را نوعی ساده‌اندیشی در مطالعهٔ معنی می‌دانند (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۲).

در فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، معنی‌شناسی زبانی در کنار معنی‌شناسی فلسفی و منطقی، به عنوان سه شاخهٔ عمده مطالعهٔ معنی معرفی شده است که معنی‌شناسی زبانی خود برحسب روش مطالعهٔ علمی معنی در قالب نظری و کاربردی‌اش در دو گونه معنی‌شناسی نظری و معنی‌شناسی کاربردی قابل طبقه‌بندی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

معنی‌شناسی کاربردی به مطالعهٔ معنی به هنگام کاربرد زبان می‌پردازد. این شیوه دو حوزهٔ عمدهٔ مطالعه معنی، یعنی کاربردشناسی زبان (pragmatics و هرمنوتیک (hermeneutics)را دربرمی‌گیرد و تحلیل گفتمان (discourse analysis) را نیز که بخشی از کاربردشناسی زبان تلقی می‌شود، شامل می‌شود (صفوی، ۱۳۸۴: ۹۸ و ۱۰۲).

فرکلاف (Fairclough) گفتمان را زبان به عنوان عُرف یا کارکردی اجتماعی تعریف کرده است (17: 1989) و تحلیل گفتمان در پی آن است که کشف کند این کارکردها که مختصات آن در لایه‌های زیرین گفتمان جای گرفته، چگونه در لایه‌های زبرین تصویرسازی یا بازنموده شده است (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۵). به عبارت دیگر تحلیل گفتمان تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است که به دو عنصر بافت زبانی یا متنی و بافت موقعیت یا بافت غیرزبانی توجه ویژه دارد. بافت زبانی بر محیط زبانی یک واحد زبانی، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیرهٔ گفتار یا متن دلالت دارد و بافت موقعیتی یا غیرزبانی تمامی اشیاء و اعمال پیرامون گوینده و شنونده را به هنگام تولید واحد زبانی مورد بحث و هم‌چنین دانش مشترک گوینده و شنونده را در برمی‌گیرد (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

طرفداران نظریهٔ کنش‌های گفتاری بر این عقیده‌اند که معنی‌شناسی با همه نظریه‌هایی که در آن مطرح شده، از قبیل: نظریهٔ ارجاعی، مفهومی، رفتارگرایی، معنا به منزلهٔ کاربرد، اثبات‌گرایی و شرایط صدق؛ باز نتوانسته توصیفی جامع از معنا ارائه دهد و برخی از جنبه‌های معنایی در این نظریه‌ها نادیده گرفته شده است. از جمله به کنش‌های گفتاری اشاره کرده‌اند.

کنش گفتاری نخستین بار توسط آستین و با مجموعهٔ سخنرانی‌های وی تحت عنوان «چگونه با کلام کار انجام می‌شود»، مطرح شد. در این نظریه کنش‌های گفتاری در واقع کنش و عملی است که در خارج از زبان تغییر ایجاد می‌کند. سرل با این اعتقاد

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

که سخن گفتن عبارت است از «وارد شدن در گونه‌ای فعالیت قاعده‌مند» (Searl, 1969: 22)، این نظریه را گسترش داده، معتقد است وقتی گفته‌ای بیان می‌گردد چهار کنش هم‌زمان صورت می‌گیرد که عبارتند از: کنش گفتن، کنش گزاره‌ای، کنش منظوری و کنش تأثیری. وی سپس کنش‌های گفتاری را به شرح ذیل دسته‌بندی کرده است (Searl, 1969: 57-61):

۱. کنش‌های تصریحی یا اظهاری (representative act or assertive)، برای بیان یک واقعه یا گزارش از یک فرآیند که آن را F^R می‌نامیم.

۲. کنش‌های ترغیبی (directive act) برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش؛ این کنش را به شکل F^D نشان می‌دهیم.

۳. کنش‌های عاطفی (expressive act)برای بیان احساسات، نگرش‌ها و ذهنیت افراد نسبت به وقایع؛ این کنش را هم با نماد F^E مشخص می‌سازیم.

۴. کنش‌های تعهدی (commissive act)برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی در آینده. برای این کنش نماد F^C را در نظر می‌گیریم.

۵. کنش‌های اعلانی (declaration act)برای نام‌گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد؛ برای این کنش F^A را به کار می‌گیریم.

این تقسیم‌بندی جهت تحلیل و بررسی کیفیت اقناع و بیان مؤثر در گفتار یا نوشتار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا یک ارتباط موفق تنها با بیان گزاره‌ای ایجاد نمی‌شود و برای ایجاد ارتباط در موقعیت‌های متفاوت لازم است گزاره‌ها با قدرت تأثیرگذاری بیشتر بیان شود و به این منظور از انواع خاصی از کنش‌ها استفاده می‌شود. تا جایی که می‌توان با تحلیل و تفسیر انواع کنش‌ها از طریق زبان به ایده افراد و دلایلی که آن‌ها پیام‌هایشان را به گونه‌ای خاص شکل داده‌اند پی برد.

با توجه به این مقدمات، در این‌جا برای بررسی توانش ارتباطی متنِ نامه‌ای از *تاریخ بیهقی* ـ یعنی دانش زبانی نویسنده شامل دانش قواعد زبانی و چگونگی کاربرد آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

قواعد متناسب با موقعیت‌های گوناگون ارتباطی ـ و میزان تأثیرگذاری آن در مخاطب، از رویکرد معنی‌شناسی کاربردی استفاده شده است. به این منظور ویژگی‌های متن‌محور (انسجام و پیوستگی معنایی) و کاربرمحور متن (هدف‌مند بودن، پذیرفتنی بودن، حاوی اطلاعات بودن و ویژگی‌های موقعیتی) از طریق طرح بافت موقعیتی، کاربرد انواع شاخص‌ها، جایگزین‌ها و شناخته‌ها درکنار همهٔ عناصر زنجیره‌ای و زبرزنجیری مؤثر در معنا، مدّنظر قرار گرفته است. در ضمن برای نمایش انتخاب هدف‌مند کنش‌های گفتاری جهت اقناع هنری مخاطب، تعداد هریک از انواع کنش‌ها با تجزیه و تحلیل کل جمله‌ها مشخص، و درصد هرکدام نسبت به کل جمله‌های متن با جدول و نمودار نشان داده شده است. سؤال اصلی در این بخش آن است که گوینده برای تأثیرگذاری بیشتر از چه صورت‌هایی از انواع کنش‌های گفتاری بهره جسته است؟

اگر بپذیریم که زبان بیش از آن‌چه آشکار می‌کند، پنهان می‌سازد و این آشکار و پنهان کردن‌ها هدف‌مند است؛ با این تجزیه و تحلیل‌ها می‌توان به درک بیشتر و عمیق‌تری از متن دست یافت. به‌ویژه وقتی نویسنده با همهٔ ترفندهای زبانی آشنا بوده، از زبان با بالاترین ظرفیت ممکن بهره گرفته باشد.

تحلیل متن نامه

برای تحلیل یک متن قبل از هر چیز باید توجه داشت که موضوع پیام در انتخاب گونهٔ زبانی نقشی اساسی بر عهده دارد. هر موضوعی به ناچار گونهٔ زبانی خاصی را می‌طلبد. سخن‌گو می‌داند کدام گونه را در ارتباط با کدام موضوع انتخاب نماید و می‌داند چگونه احساسات و حالات خود را در ارتباط با شنونده در مجموعه عناصر زبانی‌اش ملحوظ نماید. وی تشخیص می‌دهد کجا و از چه امکانات زبانی‌ای برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بهره گیرد. این نکات را با طرح جزئیات بهتر می‌توان مورد بررسی و دقت نظر قرار داد:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

بافت موقعیتی یا بافت برون زبانی ـ یعنی همان شرایط حاکم بر تولید متن یا جهان خارج و شرایط محیطی حاکم بر گوینده و شنونده ـ در این متن موقعیت حساس سران تگیناباد است. بزرگانی که دیروز به هوای دل خویشتن یا از سر هواخواهی سلطان محمود از امیرمسعود روی گردانده، امیرمحمد را به رسمیت شناختند؛ اما امروز که امیرمسعود پیروزمندانه برای در دست گرفتن امور پیش می‌تازد، برای گریز از عقوبت قریب‌الوقوعی که هرلحظه ممکن است دامن‌گیرشان گردد، به دنبال یافتن راه چاره‌ای هستند. بنابراین نامه‌ای تدارک می‌بینند که به‌وسیلهٔ آن بتوانند این باور را در دل امیرِ تازه به قدرت رسیده به‌وجود آورند که آن‌چه بر دست ایشان رفته ناخواسته و بی‌اختیار بوده است و آن‌ها چنان که او می‌پندارد در ماجرا نقشی نداشته‌اند. لذا به امید ترغیب مخاطب به واکنشی مناسب، نامه‌ای تنظیم می‌کنند که بسیار دقیق و حساب‌شده است. این فضای کلی یا همان شرایط حاکم بر متن است که با توجه به آن جزئیات متن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

نامه با نام خدا و یک جمله دعایی در حق امیر آغاز می‌شود:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. زندگانی خداوند عالم، سلطان اعظم، ولی‌النعم دراز باد در بزرگی و دولت و پادشاهی و نصرت و رسیدن به امانی و نهمت، در دنیا و آخرت».

این جمله مقدمه‌ای است کوتاه، با همه ظرافت‌ها و نکته‌های جالب توجه که خاص یک دبیر کارآمد و آشنا به فنون دبیری است.

اولین نکتهٔ قابل توجه در این جمله که در کل متن نیز قابل بررسی است، بحث شاخص‌ها، به‌ویژه شاخص‌های اجتماعی است.

«**شاخص** عنصری زبانی به حساب می‌آید که مقید به بافت موقعیتی بوده و به مکان، زمان یا شخصی اشاره دارد که از طریق بافت موقعیت قابل درک است و شاخص اجتماعی، عنوان و لقبی است که به اقتضای موقعیت اجتماعی افراد، انتخاب می‌شود» (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۷).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

شاخص‌های اجتماعی برای ایجاد ارتباط و آماده‌سازی زمینه برای القای مطلب به شنونده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. نویسنده از این عنصر بسیار حساب شده بهره گرفته است. عناوینی که برای امیرمسعود انتخاب شده از این قرار است:

خداوند عالم، سلطان اعظم، ولی‌النعم، سلطان بزرگ، شاخ بزرگ، خلیفت و خلیفت خلیفت مصطفی علیه‌السلام، خداوند حق‌تر و ولیعهد به‌حقیقت.

چهرهٔ مقابل امیرمسعود، امیرمحمد است که با عناوین "امیرمحمد" و "امیرابواحمد" از وی یاد شده. مقایسهٔ شاخص‌ها به‌خوبی نشان‌گر نقش اجتماعی این دو شخصیت است و نشان می‌دهد چه کسی بر اریکهٔ قدرت تکیه دارد و چه کسی از کار برکنار مانده است.

سلطان محمود با عناوین "امیرماضی"، "خداوند ماضی" و "اصل بزرگ" مورد خطاب قرارگرفته که خود حاکی از چند نکته است؛ یکی این‌که "امیر، خداوند و اصل بزرگ" اشاره به جایگاه رفیع محمود دارد، اما درضمن هم‌نشینی این عناوین با لفظ "ماضی" نشان می‌دهد اگر "امیر" یا "خداوند" بود گذشته است. نکتهٔ دیگر این‌که عناوین بیان‌گر برخوردی کاملاً رسمی است. معمولاً سخن‌گو درجهٔ رسمی بودن موقعیت‌ها را تشخیص می‌دهد و هرجا لازم باشد به تناسب این موقعیت گونهٔ زبانی را برمی‌گزیند. درحالی‌که مثلاً القابی مانند "ولی‌النعم" یا "خداوند حق‌تر" و "ولیعهد به‌حقیقت" نگرش و عاطفهٔ خاصی را نیز القا می‌کند. زبان‌شناسان از یک دیدگاه واژگان را به دو گروه نشان‌دار و بی‌نشان تقسیم می‌کنند و بر این اعتقادند که واژه‌های بی‌نشان تنها نمادی از واقعیت است و به مصادیق ذاتی یا تجریدی اشاره دارد؛ در حالی‌که واژه‌های نشان‌دار علاوه بر اشاره به مصداق خاص نگرش، گوینده و نویسنده را نیز در خود جای داده و اغلب عاطفهٔ خاصی را القا می‌کند. القاب مذکور از این قبیل هستند یا وقتی از مادر امیرمسعود با عنوان "ملکه سیده والده" یاد می‌شود، هم نشانی از موقعیت اجتماعی والای اوست و هم عاطفه برانگیز است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

از میان همهٔ این عناوین و القاب، انتخاب عنوان ″بندگان″ برای سران تگیناباد بسیار حساب‌شده و دقیق است. بزرگانی که در انجام امور مملکت نقشی اساسی به عهده داشته‌اند، اما در این موقعیت خاص تنها بندگانی قلمداد شده‌اند که جز فرمان‌برداری و اطاعت محض از اوامر خداوندان، کاری از آنان ساخته نیست. در راستای هدفی که نویسنده یا نویسندگان نامه در سر دارند، به راستی که مناسب‌ترین عنوان است.

در ادامهٔ بحث، کاربرد شاخص‌های شخصی، زمانی و مکانی را نیز مورد دقت نظر قرار می‌دهیم و سپس به عناصر دیگر جمله خواهیم پرداخت.

شاخص‌های شخصی ضمایر متصل و منفصل هستند که از طریق بافت موقعیت شناخته می‌شوند. اما در ادبیات اغلب بدون مرجع به کار می‌روند و ممکن است بیان‌گر بزرگ‌داشت یا خوارداشت مرجع باشند. به‌عنوان مثال در جملهٔ:

«و قضای ایزد عزوجلّ چنان رود که وی خواهد و گوید و فرماید نه چنان که مراد آدمی در آن باشد». کاربرد ضمیر″وی″ نقش مرجع خود را کاملاً برجسته و مؤکد ساخته است. ممکن بود جمله بدون استفاده از ضمیر مطرح شود که در آن‌صورت کارکرد دو جمله از نظر تأکید و برجسته نشان دادن نقش مسندالیه و هم از نظر تقابلی که میان دو بخش جمله قرار است ایجاد شود ـ یعنی طرح خواست ایزد در برابر مراد آدمی ـ کاملاً متفاوت است. اما در جملهٔ «تا فرمان عالی چه رسد به باب وی» تقابل الفاظ ″فرمان عالی″ و ″وی″ دقیقاً نشان‌گر فاصله و تفاوت موقعیت و جایگاه اجتماعی مراجع آن‌ها است و کاربرد شاخص بیان‌گر تحقیر مرجع است.

قبلاً اشاره شد که معمولاً باید مرجع ضمیر در متن معین باشد. در غیر این صورت لازم است به دلیل حذف آن توجه شود. به عنوان مثال در جملهٔ: «و ملک روی زمین از فضل وی رسد از این بدان و از آن بدین»، مرجع ضمیر وی (ایزد تعالی) قبلاً ذکر شده و مشخص است، اما مرجع ضمیرهای اشارهٔ ″این و آن″ معین نیست. این نکته حاکی از آن است که به این مراجع اهمیت داده نشده است. این و آن هرکه هست گو باش. در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

برابر عظمت مالک حقیقی کوچک‌تر از آن است که نامی از او به میان آید. امروز "این" است و فردا "آن". تلویحاً این مسئله نیز القا می‌شود که امیرسلطان خداوند امروز نیز یکی از همین این و آن‌ها است.

شاخص زمانی نیز به زمان معین اشاره دارد. مانند: «امروز که نامهٔ بندگان بدان مورّخ است...». اما این شاخص نیز گاهی کاربردی غیرمعمول پیدا می‌کند. یعنی امروز، دیروز یا فردا اشاره به زمان معینی در گذشته، حال یا آینده ندارد؛ بلکه روزگاری چند از این زمان‌ها را در برمی‌گیرد: «نبشتند بندگان... از احوال لشکر منصور که امروز اینجا مقیم‌اند..» یا «و آن روز مستحق آن بود...». در این متن گاهی نویسنده شاخص زمانی را به گونه‌ای انتخاب نموده که از هر معادل دیگری از نظر استناد، تأثیرگذاری و برانگیختن عاطفه برتر است: «و ملک روی زمین از فضل وی رسد از این بدان و از آن بدین الی ان یرث الله الارض و من علیها».

چنان‌که ملاحظه می‌شود عبارت" الی ان یرث الله الارض و من علیها"، به‌عنوان شاخص زمان انتخاب شده است. چنین تعبیری علاوه بر آن‌که کلام را از هنجار عادی فراتر برده، ذهن شنونده را به عمق ساحت پاک الهی می‌کشاند؛ یک ارجاع بین‌متنی[1] است که با ایجاز تمام، معنای وسیع را در لفظ اندک گنجانیده است.

در این‌جا لازم است یادآور شویم این گزینش‌ها ریشه در فرهنگ و باورهای مذهبی نویسنده دارد. این مسئله در سراسر متن قابل ملاحظه است، زیرا نامه با آیهٔ "بسمله" آغاز شده، در بند اول پس از ذکر اخبار مطلوب حمد و سپاس خداوند و درود و صلوات بر اولیای او قید شده است، وقتی سخن بر سرِ روی کار آمدن این و آن است یادآوری می‌کند که " وهوخیرالوارثین" و سرانجام ختم نامه با جملهٔ " بإذن الله عزّ ذکره" همه نشان‌هایی است از جهان‌بینی نویسنده.

شاخص مکانی به مکان خاص اشاره دارد و در بافت قابل تشخیص است. مانند: «نبشتند بندگان... از احوال لشکر منصور که امروز این‌جا مقیم‌اند». بافت موقعیتی نشان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

می‌دهد که مراد گوینده کجاست. گاهی شاخص مکانی مثل هر واژهٔ نشان‌دار دیگر، علوّ جایگاه را نیز نشان می‌دهد: «از اینجا روی به درگاه عالی آرند».

چنان که قبلاً نیز اشاره شد نشان‌داری یکی از مبانی تحلیل مفاهیم است. در روابط مفهومی در سطح واژه، مفهومی که با اشتراک در تمامی مؤلفه‌های معنایی مفهومی دیگر، از یک مؤلفه معنایی کم‌تر برخوردار باشد، بی‌نشان تلقی می‌شود و مفهوم دوم به دلیل برخورداری از یک مؤلفه معنایی بیشتر نشان‌دار به حساب می‌آید (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). در این‌جا "درگاه" یک واژهٔ نشان‌دار است؛ زیرا به عظمت دلالت دارد و درکنار صفت "عالی" شکوه بیشتری را القا می‌کند. به‌طورکلی انتخاب واژهٔ مناسب و دقیق و شیوهٔ آرایش آن در جمله به‌گونه‌ای که جایگزینی مناسب‌تر از آن نباشد، هنر و تخصص بیهقی و دبیران هم‌سنگ اوست. اغلب گفته می‌شود که انسجام نثر از فرآیند هم‌نشینی مایه می‌گیرد. گرمس بر این اعتقاد است که در نظام هم‌نشینی برخلاف نظام جانشینی ارتباط بین عوامل زبانی از نوع ترکیبی یا پیوسته است و هر عامل در کنار عامل دیگر کمال می‌یابد. به همین دلیل در فرآیند هم‌نشینی زبانی حضور همهٔ عوامل زبانی درکنار یکدیگر ضرورت می‌یابد، به‌طوری که امکان حذف هیچ‌یک از آن‌ها وجود ندارد (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰۹-۱۱۰). این مسئله در همان جمله اول قابل توجه است. در این جمله که در واقع براعت استهلال یا مقدمه‌ای هنری برای نامه است، هم گزینش و هم چینش واژه‌ها، به بهترین نحو ممکن صورت گرفته است. عناوین منتخب، مخاطب را در بالاترین مراتب وجودی قرار داده است: خداوند عالم (مالک همه عالم است)، سلطان اعظم (بر تمام ملک تسلط دارد) و ولی‌النعم (جسم و جان عالمیان تحت ولا و لوای اوست).

آوردن فعل در وسط جمله به خواننده مهلت می‌دهد برای تأمل در دو بخشی که به‌وسیله فعل جدا شده، نفسی تازه کند. ساختار نحوی جمله ضمن درهم شکستن ملال اطناب، از نظر تکیه و تأکید در قسمت‌های جزئی‌تر، ساخت هنری جالبی به‌وجود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

آورده است. این جمله اگر با ساخت کلیشه‌ایِ آوردن فعل در انتها ادا می‌شد، نفس‌گیر بود.

معطوف کردن خواسته‌ها یا آرزوهایی که هریک به دنبال دیگری معنی می‌یابد جالب توجه است و سرانجام اتمام جمله دعایی با قید "در دنیا و آخرت" بیان را به اوج رسانیده است. جمله با "زندگانی" آغاز شده و با "آخرت" به انجام می‌رسد و این خود چیزی جز مطابقت زبان و عالم واقع نیست. آیا پیام سخن جز این است که حیات ما آدمیان اگر به اندازهٔ صورت و معنای این جمله هم به درازا بکشد، محدود میان دو واژه زندگی و مرگ است! زندگی و مرگ نه؛ بلکه محدود میان زندگانی و آخرت است.

شناخته‌ها یعنی آن‌چه برای گوینده و مخاطب به‌عنوان پیش‌زمینه یا پیش‌فرض آشنا و شناخته شده است، نیز قابل طرح و بررسی است. مثلاً وقتی گوینده از شاخص "بندگان" استفاده می‌کند، با این پیش‌زمینه است که مخاطب می‌داند مراد گوینده چه کسانی است. گاهی یک گزاره خبری بیان مطلبی است که شنونده نیز از آن آگاه است؛ اما به مقصود خاصی مانند یک خبر تازه مطرح می‌شود، مانند: «و چون در ازل رفته بود که مدتی بر سر ملک غزنین و... نشیند که جایگاه پدر و جدّش بود...». ظاهراً این خبر مخصوصاً بیان شده تا تأکیدی باشد برای جملهٔ بعد: «و آن روز مستحق آن بود». در واقع با طرح این خبر کهنه می‌خواهد بگوید به خاطر داشته باش آن جایگاه متعلق به پدر و جدّش بوده، جایگاهی که اگر تو امروز آن را حقّ خود می‌دانی، آن روز می‌توانست حقّ او باشد.

نکتهٔ قابل توجه دیگر بحث **جای‌گزین‌ها** است. این بحث تقریباً معادل مبحث مجاز در بلاغت سنّتی است. این اصطلاح برای جای‌گزین‌هایی روی محور جانشینی و هم‌نشینی به‌کار رفته است که با حذف واژه یا واژه‌هایی از جمله جای‌گزین یک یا زنجیره‌ای از واژه‌هاست (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). مثلاً در جملهٔ: «چون در ازل رفته بود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

که مدتی بر سر ملک غزنین و خراسان... نشیند.» سر ملک به جای سر تخت ملک به کار رفته است.

گفته شده نظام حاکم بر فرآیند جانشینی در متن «یا...یا» و نظام حاکم بر فرآیند هم‌نشینی «و...و» است (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰۹). برای تحلیل الگوهای جانشین، نشانه‌شناسان اغلب به این مسئله می‌پردازند که چرا در یک بافت به‌خصوص نشانهٔ ویژه‌ای انتخاب می‌شود و نه نشانهٔ دیگر. یعنی نشانه‌های حاضر در متن با نشانه‌های غایبی که در شرایط مشابه ممکن بود انتخاب شود مقایسه می‌شود. این تحلیل ارزش واحدهای برگزیده را تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال: «و امیر ابواحمد ادام‌الله سلامته شاخی بود از اصل دولت امیر ماضی انارالله برهانه هرکدام قوی‌تر و شکوفه آبدارتر و برومندتر که...» با این جمله نویسنده به جای آن‌که بگوید «سلطان محمود دو پسر قوی و جوان داشت که...» تصویری ارائه داده است که بسیار عاطفه‌برانگیز و تأثیرگذار است.

توجه به سلسله مراتب رده‌شناختی مربوط به واژه‌ها نیز در این متن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طورکلی در زبان فارسی هم پژوهش‌گران زبان‌شناس و هم منتقدان ادبی اثبات کرده‌اند که نمی‌توان برای ترتیب واژه‌ها و نظم جمله الگوی ثابتی ارائه داد. گرچه برای جمله الگوی غالب فاعل، مفعول و فعل مطرح است، اما زبان فارسی از نظر ترتیب سازه‌ها انعطاف‌پذیر است و از سلسله‌مراتب قواعد خطی پیروی محض ندارد (دبیرمقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۰). به‌ویژه در ادبیات و کلام هنری ترتیب اجزای جمله به هیچ‌وجه کلیشه‌ای نیست؛ بلکه به‌طور طبیعی و در عمل شکل می‌گیرد و نه براساس الگوهای از پیش معلوم (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۰۴). ویلم متسیوس، یکی از بنیان‌گذاران مکتب پراگ، مسئلهٔ "نمای نقشی جمله" را مطرح کرده و معتقد است در برخی از زبان‌ها از لحاظ تربیت سازگاری، موقعیت ارتباطی گوینده و شنونده ساخت نحوی جمله را معین می‌کند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

تاریخ بیهقی نمونه برجسته‌ای است برای تأیید این مطالب در زبان فارسی. برای مثال:

- نبشتند بندگان از تگیناباد...
- و ناچار فرمان‌ها داد در هر بابی چنان که پادشاهان دهند و حاضرانی که بودند از هر دستی...
- سزد از نظر و عاطفت خداوند عالم که...

انسجام یا پیوند و پیوستگی مطالب موضوعی است که در تحلیل متن هم از دیدگاه بلاغت سنتی و هم در مباحث زبان‌شناسی مورد توجه قرار داشته است. هالیدی و رقیّه حسن، انسجام را عبارت از ابزارهای زبان‌شناختی گوناگون اعمّ از دستوری، واژگانی و معنایی می‌دانند که باعث پیوند جمله‌ها با یکدیگر می‌شود. اشر معتقد است اگر متنی بخواهد یک‌دست باشد لزوماً باید معنی‌دار، هماهنگ و خوش‌ساخت باشد (آقاگل‌زاده، همان: ۹).

متن این نامه از انسجام و پیوند هنری ویژه‌ای برخوردار است. بند اول نامه گزارش‌گونه است. نویسندهٔ آگاه می‌داند که لازمهٔ ایجاد یک ارتباط موفق، زمینه‌سازی برای متقاعدکردن و آماده نمودن مخاطب جهت پذیرش اطلاعات است. لذا جهت طرح مسئله‌ای که در ذهن دارد، برای اطمینان خاطر و آسودگی خیال مخاطب اقدام می‌کند و از چند جملهٔ کوتاه اسنادی بهره می‌گیرد که خود بیان‌گر ثبوت و دوام مطلب است:

«عوایق و موانع برافتاد و زایل گشت»؛ «کارها یکرویه شد و مستقیم» و «دل‌ها بر طاعت است و نیت‌ها درست».

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

براین اساس نخستین گام‌ها برای رهنمونی خواننده به مقصود مورد نظر استوار گشته است و در بند بعدی مطلب با تفصیل بیشتری ادامه می‌یابد. به‌طورکلی یک گفتمان تنها دربردارندهٔ دانش و اطلاعاتی ویژه برای مخاطب نیست؛ بلکه نکتهٔ مهم، ایجاد باور در مخاطب برای پذیرش آن اطلاعات است و این ممکن نیست، مگر با برانگیختن عاطفه و احساسات گفته‌خوان از راه گسترش و بسط کلام (شعیری، ۱۳۸۱: ۱۰۸). بیهقی این فراز را با انگشت نهادن بر چند نکتهٔ اساسی با موفقیت طی می‌کند:

ابتدا یادآور می‌شود که خداوند فعّال ما یشاء است و هرچه بر دست بنده می‌رود بنا به خواست و اراده اوست و بس. سپس به ناپایداری زمان کام‌کاری و کام‌روایی اشاره می‌کند. در مرحلهٔ بعد خواست سلطان محمود را مطرح کرده و هم‌ریشه بودن دو برادر از یک اصل را گوشزد می‌کند و پس از آن، از ناچاری بندگان در فرمان‌برداری از اوامر خداوندان سخن به میان می‌آورد و سرانجام شایستگی و بسزا بودن وجود عفو و عاطفه را نزد امیران برای درگذشتن از خطای بندگان بازگو می‌کند و کلام آخر همین است. حسن ختام نامه این عبارت است:

«سزد از نظر و عاطفت خداوند عالم، سلطان بزرگ ادام‌الله سلطانه که آن‌چه به اول رفت از بندگان تجاوز فرماید که اگر در آن وقت سکون را کاری پیوستند و اختیار کردند و اندر آن فرمانی از آن خداوند ماضی... نگاه داشتند، اکنون که خداوندی حق‌تر پیدا آمد و فرمان وی رسید، آن‌چه از شرایط بندگی و فرمان‌برداری واجب کرد به‌تمامی به‌جا آوردند و منتظر جواب این خدمت‌اند».

دقت در جزئیات نشان می‌دهد نویسنده با هنرمندی تمام و با رعایت اقتصاد کلام نامه را به‌گونه‌ای تنظیم کرده که ضمن عذرخواهی از خطای رفته و ایجاد عاطفهٔ لازم جهت ترغیب امیر به پذیرفتن این پوزش، شخصیت افراد را نیز خوار و ذلیل نسازد. جملهٔ اول در واقع یک جملهٔ خبری است که برای تمنّا به کار رفته، اما تقدیم فعل "سزد" آهنگی در کلام ایجاد نموده که جمله را بیشتر از آن‌که خبری باشد به ترغیبی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

مبدل کرده، برای سلطان راهی جز درگذشتن از خطای بندگان باقی نمی‌گذارد. در جملهٔ دوم استدلال کرده که آنان برای برقراری آرامش و جلوگیری از آشوب کاری انجام دادند که کار خیلی مهمی هم نبوده یا تنها کار ممکن بوده است. این مسئله از نکره آوردن "کار" قابل استنباط است. در ضمن جای گزیر و گریزی هم نبوده، زیرا آنان اطاعت از امر خداوند ماضی کرده‌اند. نکتهٔ مهم آن است که اکنون که خداوندی به‌حق‌تر را شناخته‌اند آن‌چه از شرایط بندگی و فرمان‌برداری است به‌تمامی به جای آورده‌اند. پس نه تنها مستوجب عقوبت نیستند؛ بلکه خواهان و منتظر پاسخی مناسب این خدمت‌اند.

جمله‌های دعایی متن نیز از این نظر که هرجمله مناسب و به اقتضای حال افراد انتخاب شده حائز اهمیت است. در مورد امیر مسعود جمله‌های: «اطال‌الله‌بقاءه»، «نصرالله‌لواءه» و «ادام‌الله سلطانه» انتخاب شده است که هریک در جایگاه خود مناسب‌ترین دعایی است که امیر نیاز دارد. در موقعیتی که وی قرار دارد در وهلهٔ اول آرزوی طول عمر، سپس استعانت برای قدرت و سرانجام درخواست دوام سلطنت شایسته‌ترین دعا است. این دعاها به‌طور ضمنی، کم‌دوامی و ناپایداری عمر و قدرت و سلطنت را نیز گوشزد می‌کند. برای سلطان محمود «انارالله‌برهانه»، «رحمة‌الله‌علیه» و «رضی‌الله‌عنه» درخواست شده که مورد اول هنگامی است که سخن بر سر انتخاب امیرمحمد است. یعنی اگر عمل او درست بود یا نادرست، خداوند حجّت او را برای پاسخ‌گویی قوی گرداناد و در مراحل بعدی رحمت و رضای الهی برای او آرزو شده - است. برای امیر محمد «ادام‌الله‌سلامته» استدعا شده است. در موقعیتی که امیرمحمد گرفتار آن است چه دعایی مناسب‌تر از درخواست سلامت برای اوست!

همهٔ این عناصر درکنار هم حاکی از توانش ارتباطی برجسته و مؤثر متن است و نشان می‌دهد سه عاملی که اشاره شد یعنی شرط کفایت، تأثیرگذاری و تناسب، متنی منسجم و مرتبط به‌وجود آورده است و نویسنده موفق شده با بهره‌گیری از زبان با

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

بالاترین ظرفیت ممکن در دل و ذهن مخاطب نفوذ نماید و اندیشهٔ وی را تغییر دهد و با خود همراهش سازد.

بررسی کنش‌های گفتاری متن

براساس دسته‌بندی و تفکیک انواع کنش‌های گفتاری در متن نامهٔ مورد نظر این نتایج به دست آمد:

F	کنش‌های گفتاری متن	تعداد جمله‌ها
F^R	کنش تصریحی(اظهاری)	۲۳
F^E	کنش عاطفی	۲۱
F^C	کنش تعهدی	۴
F^D	کنش ترغیبی	۳
F^A	کنش اعلانی	۲

چنان‌که ملاحظه می‌شود پربسامدترین کنش، کنش اظهاری است که بیان‌گر عقاید و دیدگاه‌های سخن‌گو یا نویسندهٔ نامه است که به نمایندگی از جانب جمع سران تگیناباد برای توجیه رفتارشان دیدگاه‌هایی را بیان می‌دارد تا نشان دهد با چه برهان و منطقی ابتدا چنان عملی از آنان سرزده و اینک چه تغییری در تفکر و باور آن‌ها ایجاد شده که تغییر رویه داده‌اند.

بسامد دوم کنش عاطفی است که مهم‌ترین و مؤثرترین رفتار، جهت زمینه‌سازی برای اقناع و ترغیب است.

کنش بعدی، کنش تعهدی است که برای جلب اطمینان خاطر مخاطب ضرورت دارد. اما چون گوینده نمی‌خواهد التماس و اظهار عجز کند، زیاد هم از این کنش استفاده نکرده است.

سرانجام آخرین بسامد متعلق به کنش ترغیبی است. این بسامد نشان می‌دهد سخن‌گو در جایگاهی نیست که از این نوع جمله بیشتر استفاده کند. زیرا این کنش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

بیشتر به نفع گوینده است تا مخاطب و چون بلاغت، سخن گفتن به اقتضای حال است، این کنش عرصه‌ای برای جولان زبان نیست.

درمورد کنش اعلانی هم می‌توان گفت کل این نامه به‌طور ضمنی یک اعلان غیرمستقیم است که به‌وسیلهٔ آن سران تگیناباد به دو مسئله اشاره کرده‌اند: اول انصراف خود را از حمایت امیرمحمد اعلان داشته‌اند؛ سپس پذیرش امارت امیرمسعود را آشکار می‌سازند.

خلاصه و نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل این متن کوتاه از *تاریخ بیهقی* با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی و توجه به بافت موقعیتی؛ شاخص‌های شخصی، اجتماعی، زمانی و مکانی؛ شناخته‌ها؛ جای‌گزین‌ها و کنش‌های گفتاری به‌طور خلاصه می‌توان اظهار داشت:

- برای تحلیل معنایی متون، توجه به بافت موقعیتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که واژه‌ها، ترکیبات و جمله‌ها در متن ارزش معنایی و ادبی پیدا می‌کنند و جدای از متن نمی‌توان در مورد ارزش‌های معنایی، زبانی و هنری آن‌ها قضاوت نمود.
- جمله به‌ویژه در کلام هنری ساخت نحوی ثابتی ندارد و از الگوی کلیشه‌ای از پیش تعیین شده پیروی نمی‌کند؛ بلکه به اقتضای موقعیت گوینده و شنونده و واقعیت‌های مورد نظر آن‌ها شکل می‌گیرد.
- ساخت نحوی جمله تغییر معنایی ایجاد می‌کند و ساخت‌های مختلف، معانی مختلفی القا می‌کند.
- گزاره‌های خبری گاه نوکردن یک خبر کهنه است که با اهدافی خاص بیان می‌شود. این اهداف تلویحی خبر را تازه جلوه داده مانند یک خبر نو آن را جالب توجه می‌گرداند.
- با ساخت نحوی خاص می‌توان اطناب کلام را درهم شکست و از ملالت حاصل از آن کاست.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

– جمله‌های اسنادی برای توصیف ثبوت و سکون امر به‌کار می‌رود و پویایی افعال غیر اسنادی را ندارد.

– شاخص‌های اجتماعی بیان‌گر جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها و افراد است. اما در زبان روزمرّه یا زبان ادب گاهی کاربردی غیرمعمول پیدا می‌کند. مثلاً عناوین نشان‌دار با بار معنایی مثبت گاهی به صورت طنز برای مورد منفی به کار می‌رود. این مسئله از بافت قابل تشخیص است.

– شاخص شخصی در ادبیات حتماً مرجع مشخص و معینی ندارد و می‌تواند بدون مرجع نیز به‌کار رود. نکتهٔ بلاغی کاربرد این شاخصه‌ها آن است که در بافت موقعیتی خاصی ممکن است برای تعظیم یا تحقیر مرجع خود به کار رود.

– شاخص زمانی نیز همیشه اشاره به زمان معین ندارد و ممکن است مثلاً شاخص زمان "امروز" برای روزگاری چند در زمان حال به کار رود و نه یک روز خاص.

– توجه به کنش‌های گفتاری برای تحلیل متن دارای اهمیت است و می‌توان با بررسی و تحلیل بسامدی انواع کنش به اهداف پنهانی و پوشیدهٔ گوینده نزدیک شد و آن را تفسیر و تحلیل نمود.

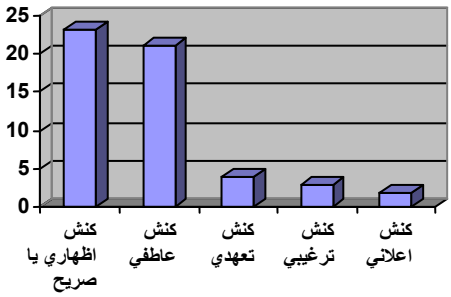

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

متن کامل نامه

شماره	نوع جمله	جمله
۱	F^E	بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
۲	F^E	زندگانی خداوند عالم... درازباد در بزرگی و دولت و... دردنیا و آخرت
۳	F^R	نبشتند بندگان از تگیناباد.. از لشکر منصور که امروز این‌جا مقیم‌اند
۴	F^C	برآن‌جمله که پس‌ازاین چون فرمان عالی دررسد فوج فوج قصد خدمت درگاه عالی خداوند عالم... کنند
۵	F^E	أطال‌الله بقاءه
۶	F^E	و نصر لواءه
۷	F^R	که عوایق و موانع برافتاد و زایل گشت
۸	F^R	و کارها یکرویه شد و مستقیم
۹	F^C	و دل‌ها بر طاعت است
۱۰	F^C	و نیت‌ها درست
۱۱	F^E	و الحمد لله ربّ العالمین
۱۲	F^E	والصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین
۱۳	F^R	و قضای ایزد عزّوجلّ چنان رود که وی خواهد و گوید... نه چنان که مراد آدمی در آن باشد
۱۴	F^R	که به فرمان وی است... گردش اقدار
۱۵	F^R	و حکم او راست در راندن و... و انواع کامکاری و قدرت
۱۶	F^R	و در هرچه کند عدل است
۱۷	F^R	و ملک روی زمین از فضل وی رسد از این بدان و از آن بدین...
۱۸	F^R	و هو خیر الوارثین
۱۹	F^E	و امیر ابواحمد... شاخی بود از اصل دولت امیر ماضی..

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

۲۰	F^E	ادام‌الله سلامته
۲۱	F^E	انار الله برهانه
۲۲	F^D	که به هیچ‌حال خود فرانستاند و همداستان نباشد اگر کسی... در وی سخنی ناهموار گوید
۲۳	F^E	چه هرچه گویند به اصل بزرگ بازگردد
۲۴	F^R	و چون در ازل رفته بود که مدتی بر سر ملک غزنین... نشیند... ناچار بباید نشست
۲۵	F^E	که جایگاه امیران پدر و جدّش بود
۲۶	F^E	رحمه الله علیهما
۲۷	F^R	ناچار بباید نشست
۲۸	F^E	و آن تخت بیاراست
۲۹	F^E	و آن روز مستحقّ آن بود
۳۰	F^R	و ناچار فرمان‌ها داد در هربابی چنان که پادشاهان دهند
۳۱	F^R	و حاضرانی که بودند از هردستی...آن فرمان‌ها را به طاعت... پیش رفتند
۳۲	F^R	و شروط فرمان‌برداری اندر آن نگاه داشتند
۳۳	F^C	چون مدت وی سپری شد و ...شاخ بزرگ ... سایه بر مملکت افکند... امروز ناچار سوی حق شتافتند و طاعت او را فریضه‌تر داشتند
۳۴	F^E	خدای عزّوجلّ شاخ بزرگ را ...که ولی‌عهد به‌حقیقت بود به بندگان ارزانی داشت
۳۵	F^E	و سایه بر مملکت افکند
۳۶	F^R	و امروز که نامه... بدان مورّخ است بر حکم فرمان عالی برفتند که در ملطّفه‌ها به خط عالی بود... و امیر محمد را به قلعه کوهتیز موقوف کردند
۳۷	F^R	سپس آن‌که همه لشکر در سلاح صف کشیده بودند...بسیار سخن و مناظره رفت

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

۳۸	F^R	وی گفت او را به گوزگانان باز باید فرستاد با کسان و یا با خویشتن به درگاه عالی برد
۳۹	F^R	و آخر قرار بر آن گرفت که به قلعه موقوف باشد... تا فرمان عالی برچه جمله رسد به باب وی
۴۰	F^R	و بنده بگتگین حاجب با خیل خویش... در شارستان رتبیل فرودآمده نگاه‌داشت قلعه را
۴۱	F^R	تا چون بندگان غایب شوند از این‌جا... خللی نیفتد
۴۲	F^R	و این دو بنده را اختیار کردند... تا حال‌هارا... شرح کنند
۴۳	F^D	سزد از نظر و عاطفت خداوند عالم...که آن‌چه به اول رفت از بندگان تجاوز فرماید
۴۴	F^E	ادام الله سلطانه
۴۵	F^D	که اگر در آن وقت سکون را کاری پیوستند و اختیار کردند.. اکنون که خداوندی حق‌تر پیدا آمد و فرمان وی رسید، آنچه از شرایط بندگی... واجب کرد به‌تمامی به‌جا آوردند
۴۶	F^R	و منتظر جواب این خدمت‌اند...
۴۷	F^E	و مبشّران مسرع... فرستادند و از این حال‌ها که برفت... آگاهی دادند
۴۸	F^E	تا ملکه سیده والده و دیگر بندگان شادمانه شوند و سکونی تمام گیرند
۴۹	F^E	و این بشارت را به سند و... رسانند
۵۰	F^R	تا در اطراف آن ولایت خللی نیفتد
۵۱	F^E	به اذن الله عزّ ذکره

پی‌نوشت

۱. بینامتن به متن‌هایی گفته می‌شود که ذهن شنونده را از متن اصلی به متن دیگری سوق می‌دهد. این متن‌ها با متن اصلی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط بوده، در آن تأثیرگذار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]

است. یکی از موارد بینامتن همان تعبیری است که در ادبیات سنتی از آن باعنوان تلمیح یاد شده است و نویسنده با استفاده از آن ضمن ایجاز درکلام، معنی را نیز در ذهن خواننده تداوم می‌بخشد (ساسانی، ۱۳۸٤: ٤۰-٤۱).

منابع

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.

بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*. تصحیح علی اکبر فیاض و به اهتمام محمّدجعفر یاحقی. چاپ چهارم. مشهد: دانشگاه فردوسی.

دبیرمقدّم، محمد. (۱۳۸۳). «بررسی سلسلهٔ رده‌شناختی مربوط به آرایش واژه‌ها». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکترعلی شریعتی*. شماره دوم. مشهد.

ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۴). «تأثیر روابط بینامتنی در خوانش متن». *فصلنامه زبان و زبان‌شناسی*. شماره۲. صص۳۹-۵۷. تهران.

سجودی، فرزان. (۱۳۸۳). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: قصه.

شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۱). *مبانی معناشناسی نوین*. تهران: سمت.

صفوی، کوروش. (۱۳۸۳). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: سوره مهر.

ـــــــــــــ . (۱۳۸۴). *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.

محمدی بنه گزی، عباسقلی. (۱۳۸۴). *بنیان‌های استوار ادب فارسی/ تحقیقی در کارکردهای نثر فارسی با تحلیلی از قصهٔ حسنک وزیر*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

ـــــــــــــ . (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.

Fairclough, N, (1995), *Critical Discourse Analysis*, London: Longman.

Searl.j.R, (1969), speech acts: *An Essay in the philosophy of language*, Cambridga: Cambridge University press.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1387.16.62.13.1]